

## پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با نقش میانجیگری طرح‌واره‌ناسازگار اولیه زنان منطقه کرج

آزاده عسکری\*<sup>۱</sup>، معصومه قاسمی فرد<sup>۲</sup>

**مقدمه:** طلاق و جدایی عاطفی تهدیدهای جدی برای زندگی و روابط زناشویی محسوب می‌شوند که بنیان خانواده را به مرور زمان از بین می‌برند. به همین علت بررسی آسیب‌ها و راه‌حل‌ها برای پیشگیری از پدید آمدن طلاق عاطفی بسیار حائز اهمیت است. هدف این پژوهش پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با نقش میانجیگری طرح‌واره‌ناسازگار اولیه زنان منطقه کرج بود.

**روش پژوهش:** روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود که به پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی-خانواده و تمایز یافتگی خود با نقش میانجیگری طرح‌واره‌ناسازگار اولیه زنان منطقه کرج پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش را زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره منطقه کرج را تشکیل داده است. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۰ نفر انتخاب که با احتمال ریزش ۲۲۰ نفر انتخاب گردید. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss26 استفاده شد. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از روش همبستگی پیرسون و به منظور بررسی چگونگی این ارتباط از روش رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی استفاده شد.

**یافته‌ها:** ضریب مسیر غیرمستقیم بین الگوی ارتباطی گفت‌وگوشنود و طلاق عاطفی ( $\beta = -0.161, p < 0.01$ ) منفی و ضریب مسیر غیرمستقیم بین الگوی ارتباطی هم‌نوایی و طلاق عاطفی ( $\beta = 0.142, p < 0.01$ ) مثبت و معنادار است. همچنین ضریب مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی خود و طلاق عاطفی ( $\beta = -0.103, p < 0.01$ ) منفی و معنادار است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری طرح‌واره‌های-ناسازگار اولیه، طلاق عاطفی را زنان پیش‌بینی می‌کند. متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده، تمایز یافتگی خود، طرح‌واره‌ناسازگار اولیه به خوبی طلاق عاطفی را در همسران پیش‌بینی می‌کنند؛ بنابراین از طریق افزایش مهارت‌های زوجین در فراهم آوردن رضایت‌زناشویی برای یکدیگر و آموزش سرمایه روان‌شناختی به آن‌ها می‌توان حل تعارض سازنده را در آن‌ها افزایش داد.

**کلیدواژه‌ها:** الگوهای ارتباطی خانواده، تمایز یافتگی خود، طلاق عاطفی، طرح‌واره‌ناسازگار اولیه

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲۹

**استناد:** عسکری، آ. قاسمی فرد م. پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با نقش میانجیگری طرح‌واره‌ناسازگار اولیه زنان منطقه کرج، خانواده و بهداشت، ۱۴۰۳؛ ۱۴(۲): ۲۵۹-۲۴۱

<sup>۱</sup> - (نویسنده مسئول)، استادیار، گروه مشاوره، واحد ادبیان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

Tell: 09128632312 [dr.azade.askari@gmail.com](mailto:dr.azade.askari@gmail.com)

<sup>۲</sup> - کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، واحد ادبیان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. [masmasgh250@gmail.com](mailto:masmasgh250@gmail.com)

© حقوق برای مؤلف (آن) محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد در خانواده و بهداشت تحت مجوز کرییتیو کامنز (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) منتشر شده که طبق مفاد آن هرگونه استفاده غیر تجاری تنها در صورتی مجاز است که به اثر اصلی به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد.

**مقدمه:**

ازدواج به‌عنوان اولین تعهد عاطفی و حقوقی که افراد در بزرگسالی قبول می‌کنند و همچنین به‌عنوان عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و ایمنی افراد همواره مورد توجه بوده است. در واقع می‌توان ازدواج را یکی از اساسی‌ترین تصمیم‌گیری‌های هر فرد دانست و متعهد ماندن این عهد و پیمان نیز از حساس‌ترین مسائل فی‌مابین زوجین می‌باشد (۱). افراد ازدواج را به‌عنوان صمیمانه‌ترین رابطه بزرگسالی محسوب می‌کنند، رابطه‌ای که برای آن‌ها منبع اصلی عاطفه و حمایت است (۲). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زن و مرد با تمام تلاشی که در جهت انجام دقیق وظایف خود دارند، به‌مرور زمان عشق و علاقه بین آن‌ها کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شده و گاهی به‌طور کامل محو می‌شود (۳).

اغلب افرادی که ازدواج می‌کنند در آغاز ازدواج سطح بالایی از رضایت از زندگی زناشویی دارند، اما باگذشت زمان میزان آن افت می‌کند و بسیاری از خانواده‌ها را کم‌کم به سمت طلاق نزدیک می‌کند (۴). عواملی چون عدم آشنایی زوجین با مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر، ابراز عواطف، حل مسائل مربوط به خود و پذیرش نقش‌های خانوادگی در سوق دادن زوجین به طلاق نقش مؤثری دارند (۵). در ایالات متحده حدودی نیمی از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود و حدود ۵۰ درصد افراد که مجدد ازدواج کردند، طلاق را برای بار دوم تجربه می‌کنند. آمارهای رسمی ازدواج و طلاق در کشور ایران حاکی از آن است که هر ساله درصد ازدواج به نسبت به سال قبل کاهش و درصد طلاق افزایش می‌یابد (۶). طلاق رویدادی پیچیده است که پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مالی، قانونی، فردی و اجتماعی بسیاری برای زوجین دارد. آمار طلاق از ۷/۸۹ درصد سال ۱۳۷۵ به ۲۵/۳ درصد سال ۱۳۹۵ رسیده (۷) و برابر آمار رسمی منتشرشده کشور ایران نسبت ازدواج به طلاق حدود ۳/۴ است؛ یعنی به ازای هر ۳/۴ ازدواج یک طلاق رخ می‌دهد که این نسبت در پنج سال اول زندگی ۴۷/۲ درصد است (۸). به عبارتی روابط عاطفی در آغاز زندگی اغلب با شور و حرارت خاصی وجود دارد، اما پس از مدتی به علت ناآگاهی و غفلت یکی از طرفین یا هر دو، عواطف فروکش می‌کند و به تدریج که این وضعیت تشدید می‌شود، زندگی رو به سردی می‌گراید و گاهی این حالت تا جایی ادامه می‌یابد که زوجین زیر یک سقف فقط در کنار هم هستند، اما باهم زندگی نمی‌کنند، این وضعیت را طلاق عاطفی می‌نامند در طلاق عاطفی زندگی زناشویی توخالی شده و فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است (۹). (۱۰) طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه‌زناشویی روبه‌زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. امروزه طلاق یکی از پدیده‌های بسیار شایع جوامع انسانی است و وقوع آن در جوامع مختلف به‌سرعت در حال افزایش می‌باشد (۱۱).

از سویی دیگر؛ یکی از مهم‌ترین عواملی که بر بقاء دوام و کیفیت زندگی زناشویی اثر می‌گذارد، روابط سالم و مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضای خانواده به‌خصوص زن و شوهر است (۱۲). از دیدگاه (۱۳) نیز در نظام خانواده عنصر ارتباط بسیار تعیین‌کننده است (۱۴) و در نقطه مقابل نیز یکی از مهم‌ترین مشکلات خانواده‌ها الگوهای ارتباطی است (۱۵). منظور از الگوهای ارتباطات خانوادگی چگونگی تعامل بین اعضای خانواده برای رسیدن به عقاید مشترک و نحوه اتخاذ تصمیم‌هایی توسط خانواده می‌باشد (۱۶). بر اساس نتایج پژوهش‌ها الگوی ارتباطی سازنده متقابل<sup>۱</sup> در جهت مثبت و الگوی ارتباطی اجتناب متقابل<sup>۲</sup> در جهت منفی میزان رضایت جنسی و زناشویی زوجین دارد (۱۷). همچنین در سایر پژوهش‌ها نیز الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت-زناشویی رابطه معناداری گزارش شده است؛ به‌طوری‌که الگو سازنده متقابل تأثیر مثبت بر افزایش رضایت‌زناشویی و الگوهای اجتنابی و توقع/کناره‌گیری تأثیرات منفی بر رضایت‌زناشویی دارند (۱۸-۲۰). وقتی زوجها بتوانند افکار و احساسات خود را برای هم بیان کنند نه فقط صمیمی‌تر می‌شوند، بلکه از ایجاد سوءتفاهم هم جلوگیری می‌شود و قادر خواهند بود به دنیای هم وارد شوند

<sup>۱</sup> mutual constructive communication

<sup>۲</sup> information oriented

[HTTPS://JOL](https://joh)

(۲۱). گاتمن در بین زوجین دارای روابط شاد پایدار سه الگوی دوری کننده از درگیری<sup>۱</sup>، ارج گذار<sup>۲</sup> و جنجالی<sup>۳</sup> و در بین زوجین ناشاد دو الگوی دشمنی ورز<sup>۴</sup> و دشمنی ورز-دل گسسته<sup>۵</sup> را شناسایی و معرفی کرده است. وی همچنین چهار ویژگی در بین زوجین زیر عنوان چهار سوار ویرانگر مطرح کرده است: عیب‌جویی، تحقیر کردن، جبهه‌گیری و سکوت و کناره‌گیری (۲۲). یافته‌های پژوهش (۲۳) نشان دادند بین هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و رضایت‌ناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی توانایی پیش‌بینی رضایت‌ناشویی را دارند. (۲۴) در پژوهشی نشان دادند که از بین مؤلفه‌های باورهای ارتباطی (کمال‌گرایی جنسی، تفاوت‌های جنسیتی) با دلزدگی‌ناشویی رابطه معنی‌دار نداشت و سایر مؤلفه‌ها (تخریب‌کنندگی، مخالفت، عدم‌تغییر پذیری همسر و توقع ذهن‌خوانی) با دلزدگی‌ناشویی رابطه مثبت معنی‌دار داشتند. همچنین (۲۵) نشان دادند که طلاق عاطفی براساس تحمل‌پریشانی و الگوهای ارتباطی زوجین قابل پیش‌بینی است. (۲۶) در تحقیق خود نشان دادند که باورهای ارتباطی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر کیفیت و ثبات زندگی زوجها نقش مهم و تأثیرگذاری دارند؛ چرا که کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی و هیجانی زوجین در کنار باورهای نادرست می‌تواند مانعی برای برقراری روابط صمیمی و درک صحیح احساسات و کاهش رضایتمندی زوجین شود.

از دیگر مؤلفه‌های شناخته‌شده مؤثر بر کیفیت زندگی، تمایز یافتگی خود می‌باشد که تعادلی است که فرد بین دنیروی باهم بودن و فردیت (سطح درون روانی و فرا روانی) برقرار می‌کند و حاصل آن ایجاد توازن بین حفظ استقلال و تداوم ارتباط با افراد مهم زندگی است (۲۷). تمایز یافتگی، به توانایی افراد برای تمایز خود از خانواده اصلی‌شان در سطح عاطفی و عقلی اطلاق می‌شود (۲۸). افرادی که تمایز یافتگی کمی نسبت به خود دارند، قادر نیستند احساس خود را از دیگران متمایز کنند و به راحتی با احساساتی که خانواده و اطرافیان به آن‌ها وارد می‌کنند، آشفته می‌شوند و افرادی که از سطح مناسب تمایز یافتگی بهره‌مند هستند، خود رهبرند و به احساسات و افکار خود واقف‌اند. این در حالی است که افراد تمایز نیافته از لحاظ عاطفی به دیگران وابسته‌اند و به سختی برای خود فکر، احساس و عمل می‌کنند (۲۹). تمایز یافتگی خود، در سطح درون روان‌شناختی شامل توانایی تمایز فرایندهای احساسات از فرایندهای فکری است. تمایز یافتگی مطلوب، فرد را قادر می‌سازد که در رابطه عاطفی شدید یا در شرایط دشوار نامطمئن خودش باقی بماند (۳۰-۳۱). در حیطه بین فردی، تمایز یافتگی به توانایی تجربه استقلال و صمیمیت با دیگران برمی‌گردد. افراد تمایز یافته تر، قادرند بدون اینکه احساس نادیده گرفته شدن و ترس و اضطراب‌های ناشی از جدایی داشته باشند، استقلال بیشتری در روابطشان تجربه کنند (۳۲). (۳۳) در پژوهشی نشان دادند که بین زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض‌ناشویی در خصوص مؤلفه‌های واکنش‌پذیری هیجانی و هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران، تفاوت معناداری وجود داشت. زنان بیشتر از مردان دچار واکنش‌پذیری هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران می‌شوند. در مؤلفه‌های گسلس عاطفی و موقعیت من، بین زوج‌های رضایت‌مند و دارای تعارض‌ناشویی، تفاوت معناداری یافت نشد. یافته‌های پژوهش (۳۴) نشان داد که بین خود متمایزسازی و رضایت‌ناشویی، بین هوش هیجانی و خود متمایزسازی و بین هوش هیجانی و رضایت‌ناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین (۳۵) دریافتند که بین رضایت‌ناشویی و تمایز یافتگی خود رابطه وجود دارد و تمایز یافتگی خود در سازگاری زوجین نقش ایفا می‌کند. (۳۶) در پژوهشی نشان دادند که بین تمایز یافتگی خود با رضایتمندی

<sup>۱</sup> Conflict- avoiding<sup>۲</sup> Validating<sup>۳</sup> Volatile<sup>۴</sup> hostile<sup>۵</sup> hostile- detached

زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد و فقط بعد جایگاه من از ابعاد تمایز یافتگی خود با رضایت‌مندی زناشویی دارای رابطه‌ی معنادار می‌باشد.

به اعتقاد (۳۷) نیز شدت واکنش افراد به این اضطراب مبتنی بر این است که چطور خانواده اصلی فرد، اضطراب را انتقال می‌دهد. لذا می‌توان دریافت که تمایز خود به‌عنوان یک عامل مهم و مؤثر بر ساختار خانواده بوده و اثرات عمیقی را در روابط زناشویی دارد. همسو با تمایز یافتگی، از دیگر پیش‌بینی‌کننده‌های کارکرد خانواده و رضایت‌زناشویی، می‌توان به نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه اشاره نمود. طرح‌واره‌های ناسازگار، باعث تحریک افکار خودآیند منفی شده و ناراحتی روانی شدیدی را با خود به همراه می‌آورند (۳۸). در همین راستا، (۳۹) در پژوهشی عنوان کرده‌اند که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مکانیسم‌های ناکارآمدی هستند که به‌صورت مستقیم به پریشانی روان‌شناختی می‌انجامند. این طرح‌واره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند که از جمله این نیازها: نیاز به دل‌بستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح و محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویش‌داری می‌باشد (۴۰). (۴۱) نیز در پژوهشی با موضوع بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با میزان سازگاری زناشویی نشان داد که می‌توان با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و نیز تمایز یافتگی، میزان سازگاری زناشویی را پیش‌بینی نمود. (۴۲) نشان دادند که کارکردهای تحولی خانواده دوران کودکی از طریق طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی معلمین رابطه معنی‌داری دارد و بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کارکردهای تحولی خانواده دوران کودکی از یک‌سو و کاهش طرح‌واره‌های ناسازگاری اولیه از سوی دیگر، می‌توان میزان وقوع طلاق عاطفی معلمین را در آینده کاهش داد.

با توجه به نتایج تحقیقات ذکر شده طلاق عاطفی در پی ازدواج غلط و ناآگاهانه و سپس روابط نادرست همسران و ناآگاهی و نداشتن مهارت لازم در تعامل با یکدیگر پس از ازدواج رخ می‌دهد. و معمولاً به دلایلی چون فشار افکار عمومی و پایبندی به اصول اخلاقی و سنت‌ها، نداشتن پشتوانه مالی و حمایت اجتماعی بعد از طلاق و یا به خاطر فداکاری برای فرزندان و نگرانی از آینده آن‌ها طلاق رسمی صورت نمی‌گیرد. با توجه به این‌که طلاق عاطفی اثرات نامطلوبی بر کارآمدی و سلامت زندگی فردی و اجتماعی افراد خانواده دارد برای پیشگیری و درمان آن نخست باید علت‌ها شناخته شوند و در کنار آن مشاوره و آموزش مهارت‌های زندگی و کاهش توقعات در برنامه‌های آموزشی قرار گیرد. از همه مهم‌تر این‌که باید مشاوره پیش از ازدواج را جدی تلقی کنیم و به کارهای مقطعی بسنده نشود و اصولی برنامه‌ریزی کنیم. مشاوره و آموزش درست اهمیت بسیار دارد. البته فراهم کردن دسترسی آسان و ارزان به مشاوره تخصصی در دو جنبه روانشناسی و روان‌پزشکی برای افراد قبل و بعد از ازدواج اهمیت بسیار دارد. به‌طور طبیعی رابطه ضعیف عاطفی در ارتباطات زوجین سبب سردی روابط زن و شوهر می‌شود؛ گاه بر اثر شدت این مشکلات زوجین به طلاق روی می‌آورند و گاه در صورت خفیف‌تر بودن این مشکلات و وجود مسائل دیگر مانند شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرزندان این طلاق‌ها شکل نمی‌گیرد و زوجین تنها به‌صورت همخانه باقی می‌مانند و با سردی شدید عاطفی و عدم تحمل یکدیگر به زندگی به‌ظاهر مشترک خود ادامه می‌دهند؛ به این پدیده طلاق عاطفی می‌گویند. متأسفانه هیچ آمار دقیقی از میزان وجود طلاق عاطفی در دست نیست ولی می‌توان به جرت گفت آمار طلاق عاطفی در کشور ما از طلاق قانونی بیشتر است. طلاق عاطفی فشارهای روحی و عصبی فراوانی را به زوجین تحمیل می‌کند و موجب سستی بنیاد خانواده، بی‌اعتمادی طرفین و احتمال خیانت به همسر را در زوجین افزایش می‌دهد؛ و زوجین علاوه بر دل‌سردی و بی‌توجهی به زندگی خود به زندگی سایر افراد خانواده خود نیز بی‌تفاوت می‌شوند، عدم مهارت لازم برای زندگی دو نفره، ازدواج دیرهنگام، دخالت اطرافیان در زندگی مشترک، ویژگی نامطلوب اخلاقی، مشکلات زناشویی، درک نکردن گفتار و رفتار یکدیگر، تنها بخشی از دلایل بروز و تشدید طلاق‌های عاطفی در زوجین را سبب می‌شود، زندگی در شرایط طلاق عاطفی افراد را به‌طرف مشکلات روحی و روانی سوق می‌دهد و آنان را مجبور به زندگی اجباری فاقد تفاهم در زیر یک سقف می‌کند؛ که اگر راه‌حلی برای این مشکلات در نظر گرفته نشود سرانجام طلاق عاطفی به طلاق قانونی منجر می‌شود. در نهایت با توجه به مطالب عنوان شده و

براساس پژوهش‌هایی که تا به حال به عنوان علل احتمالی طلاق عاطفی بیان شده‌اند، فرضیه اصلی این پژوهش الگوی ساختاری پژوهش که در آن فرض شده الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، طلاق عاطفی را در زنان پیش‌بینی می‌کند با داده‌های گردآوری شده برازش دارد؛ می‌باشد.

### روش پژوهش:

روش این تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود که به پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با نقش میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه زنان منطقه کرج پرداخت. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره منطقه کرج را تشکیل دادند. در این پژوهش از نوع روش نمونه‌گیری یا خوشه‌ای مرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که از مراکز مشاوره‌های موجود در منطقه کرج، پژوهشگر به صورت تصادفی ۲ مرکز (مرکز مشاوره پیوند تحت نظر اداره آموزش و پرورش و نیلوفر) را انتخاب نمود. سپس پژوهشگر با مراجعه به مراکز مشاوره و گرفتن رضایت‌نامه اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها (طلاق عاطفی، الگوهای ارتباطی خانواده، تمایز یافتگی خود و طرحواره‌های ناسازگار اولیه) کرد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۰ نفر انتخاب که با احتمال ریزش ۲۲۰ نفر انتخاب گردید. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS26 استفاده شد. به منظور بررسی پیش‌فرض‌های لازم قبل از تحلیل استنباطی داده‌ها شاخص‌های کجی و کشیدگی و آزمون کالموگراف اسمیرنوف<sup>۱</sup> مورد استفاده قرار گرفت. همچنین برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از روش همبستگی پیرسون و به منظور بررسی چگونگی این ارتباط از روش رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی استفاده شد. قبل از اجرای تحلیل‌های رگرسیون اصلی برای هر سؤال خاص، یک مدل تحلیل رگرسیون کامل برای متغیرها انجام گردید. ابزار گردآوری اطلاعات عبارتند از:

۱- پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن: پرسشنامه طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته (۴۳) گرفته شده است. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر ۰ می‌گیرد. هر چقدر میزان جواب‌های بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. در پژوهش مامی و عسگری آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه ۰/۸۳ ذکر شده است. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید مطلوب گزارش شده است.

۲- پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده: جهت سنجش ابعاد خانواده از پرسش‌نامه (۴۴) استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل ۱۲ گویه است و به گونه تفکیکی و با استفاده از طیف لیکرت ابعاد خانواده را در قالب دو بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود (سؤال‌های ۱ تا ۶) و جهت‌گیری همنوایی (سؤال‌های ۷ تا ۱۲) می‌سنجد. این پرسشنامه توسط (۴۵) مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش مذکور مشخص شد که پایایی پرسشنامه براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ گزارش شده است. در پژوهش (۴۵) برای به دست آوردن روایی پرسشنامه از نظرات استاد راهنما و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است.

۳- پرسشنامه تمایز یافتگی خود<sup>۲</sup>: پرسشنامه تمایز یافتگی خود یک ابزار ۴۶ آیتمی است که توسط (۴۶) طراحی شد و سپس توسط (۴۷) مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در پژوهش (۴۶) خرده مقیاس‌های این پرسشنامه از همسانی درونی قابل قبولی برای هر چهار مقیاس دارد که برای نمره کل ۰/۸۸؛ واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۸۴؛ جایگاه من ۰/۸۳؛ گریز عاطفی ۰/۸۲ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴ بدست آمد (به نقل از (۴۸)). در پژوهش (۴۹) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ و برای خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۴، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه گردید. روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی بیانگر تأیید چهار عامل واکنش‌پذیری هیجانی،

<sup>۱</sup> Kolmogorov-Smirnov

<sup>۲</sup> . Differentiation of Self Inventory (DSI)

موقعیت من، گسلس عاطفی و هم آمیختگی با دیگران بود (۵۰). در پژوهش (۵۱)، ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های واکنش عاطفی، گسلس عاطفی، موقعیت من و آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۶۴، ۰/۵۳ و ۰/۷۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ به دست آمد. روایی محتوایی این پرسشنامه از روش همسانی درونی ۰/۸۳ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۷۹؛ جایگاه من ۰/۷۳؛ گریز عاطفی ۰/۷۸؛ هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۵ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ برآورد گردید.

۴- **فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره‌های یانگ (YSQ-SF):** نسخه اصلی پرسشنامه طرح‌واره‌ها (YSQ)، توسط (۵۲) برای اندازه‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ساخته شده است. شکل کوتاه پرسشنامه طرح‌واره‌ها (YSQ-SF) برای اندازه‌گیری ۱۵ طرح‌واره‌ناسازگار اولیه (۵۳) براساس فرم اصلی ساخته شد. این طرح‌واره‌ها عبارت‌اند از: محرومیت هیجانی، طرد/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به بیماری، خود تحول‌نیافته / گرفتار، اطاعت، فداکاری، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/بیش انتقادی، استحقاق / بزرگ‌منشی و خودکنترلی ناکافی. هر پرسش بر یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (۱ برای کاملاً نادرست و ۶ برای کاملاً درست). پایایی و روایی این ابزار در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است (۵۴). هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط (۵۵) در دانشگاه‌های تهران انجام گرفته است. همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸ بدست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای بدست آمده ۰/۹۶ است.

#### یافته‌ها:

جدول زیر میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های تمایز یافتگی (واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران)، الگوهای ارتباطی خانواده (گفت‌وشنود و همنوایی)، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (بریدگی/طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی و محدودیت‌های مختل) و طلاق عاطفی را نشان می‌دهد.

**جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ متغیرها**

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ
تمایز یافتگی - واکنش‌پذیری عاطفی	۳۵/۷۲	۵/۷۷	۰/۶۴
تمایز یافتگی - جایگاه من	۳۴/۶۵	۵/۱۸	۰/۷۱
تمایز یافتگی - گریز عاطفی	۳۸/۶۷	۷/۲۶	۰/۷۴
تمایز یافتگی - هم آمیختگی	۳۳/۳۸	۶/۰۰	۰/۶۹
الگوهای ارتباطی - گفت‌وشنود	۱۸/۵۸	۴/۲۳	۰/۷۸
راهبردهای غیرانطباقی - همنوایی	۱۷/۹۲	۴/۷۸	۰/۷۲
طرح‌واره - بریدگی / طرد	۷۳/۲۸	۱۲/۴۷	۰/۹۳
طرح‌واره - خودگردانی و عملکرد مختل	۵۸/۹۶	۹/۱۵	۰/۸۹
طرح‌واره - دیگر جهت‌مندی	۳۴/۵۷	۸/۵۶	۰/۸۲
طرح‌واره - گوش‌به‌زنگی	۳۲/۵۱	۷/۱۳	۰/۸۶
طرح‌واره - محدودیت‌های مختل	۳۴/۲۶	۷/۰۹	۰/۷۱
طلاق عاطفی	۱۳/۳۲	۴/۴۰	۰/۸۲

[HTTPS://JOL](https://joh)

جدول ۱. علاوه بر میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ هر یک از آن‌ها را نشان می‌دهد. همچنان که ملاحظه می‌شود ضرایب آلفای کرونباخ همه مؤلفه و متغیرها نزدیک به یا بالاتر از ۰/۷ است. براین اساس می‌توان گفت گویه‌های هر یک از پرسشنامه‌های به کار گرفته شده برای سنجش متغیرهای پژوهش حاضر از همسانی درونی قابل قبولی برخوردار بودند.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. تمایز یافتگی - واکنش پذیری عاطفی	-											
۲. تمایز یافتگی - جایگاه من	۰/۳۴**	-										
۳. تمایز یافتگی - گریز عاطفی	۰/۳۹**	۰/۳۲**	-									
۴. تمایز یافتگی - هم آمیختگی	۰/۳۷**	۰/۳۶**	۰/۵۰**	-								
۵. الگوهای ارتباطی - گفت و شنود	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۳۸**	۰/۲۶**	-							
۶. راهبردهای غیر انطباقی - هم‌نوایی	۰/۱۵*	۰/۰۵	۰/۲۳**	۰/۳۰**	۰/۳۰**	-						
۷. طرحواره - بریدگی اطرد	۰/۲۳**	۰/۰۷	۰/۳۶**	۰/۴۰**	۰/۵۲**	۰/۵۰**	-					
۸. طرحواره - خودگردانی و - عملکرد مختل	۰/۲۶**	۰/۰۸	۰/۲۷**	۰/۳۵**	۰/۵۲**	۰/۷۱**	-					
۹. طرحواره - دیگر جهت مندی	۰/۱۸**	۰/۱۱	۰/۲۱**	۰/۲۵**	۰/۴۱**	۰/۳۶**	۰/۶۵**	-				
۱۰. طرحواره - گوش به زنگی	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۲۲**	۰/۲۷**	۰/۴۶**	۰/۵۲**	۰/۵۱**	۰/۳۶**	-			
۱۱. طرحواره - محدودیت‌های مختل	۰/۲۰**	۰/۰۵	۰/۳۰**	۰/۲۹**	۰/۳۹**	۰/۶۲**	۰/۴۴**	۰/۵۱**	۰/۵۸**	-		
۱۲. طلاق عاطفی	۰/۱۶*	۰/۰۷	۰/۴۷**	۰/۴۰**	۰/۶۱**	۰/۳۲**	۰/۳۸**	۰/۴۹**	۰/۵۶**	۰/۳۳**	۰/۴۱**	-

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. همچنان که جدول فوق نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرها در جهت مورد انتظار و همسو با تئوری‌های حوزه پژوهش بود.



همچنان که در شکل ۳. ملاحظه می‌شود در پژوهش حاضر تمایز یافتگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه متغیرهای مکنون بوده و مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دادند. در این پژوهش چنین فرض شده بود که متغیر مکنون تمایز یافتگی به‌وسیله نشانگرهای واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران و متغیر مکنون طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌وسیله نشانگرهای بریدگی اطرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، گوش‌به‌زنگی و محدودیت‌های مختل سنجیده می‌شود. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی و با به‌کارگیری نسخه ۲۴ نرم‌افزار AMOS و استفاده از روش برآورد بیشینه احتمال (ML) مورد ارزیابی قرار گرفت. جدول ۳. شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری اولیه و اصلاح‌شده

شاخص‌های برازندگی	مدل اولیه	مدل اصلاح‌شده	نقطه برش <sup>۱</sup>
مجذور کای <sup>۲</sup>	۷۸/۳۲	۳۷/۱۵	-
درجه آزادی مدل	۲۶	۲۳	-
$\chi^2/df$ <sup>۳</sup>	۳/۰۱	۱/۶۲	کمتر از ۳
GFI <sup>۴</sup>	۰/۹۲۴	۰/۹۶۴	۰/۹۰ >
AGFI <sup>۵</sup>	۰/۸۶۸	۰/۹۳۰	۰/۸۵۰ >
CFI <sup>۶</sup>	۰/۹۴۲	۰/۹۸۴	۰/۹۰ >
RMSEA <sup>۷</sup>	۰/۰۹۶	۰/۰۵۳	۰/۰۸ <

جدول ۳. نشان می‌دهد که به‌استثنای شاخص‌های RMSEA دیگر شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی از برازش قابل‌قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده حمایت نمی‌کنند. به همین دلیل مدل در سه مرحله با ایجاد کوواریانس بین خطاهای نشانگرهای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه اصلاح و در نهایت شاخص‌های برازندگی حاصل شد که نشان داد مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده برازش قابل‌قبول دارد. بدین ترتیب چنین نتیجه‌گیری شد که الگوی اندازه‌گیری پژوهش با داده‌های گردآوری‌شده برازش دارد. در ادامه جدول ۳. بارهای عاملی استاندارد و غیراستاندارد مربوط به نشانگرها در مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول ۴. پارامترهای مدل اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

متغیر مکنون - نشان‌گر	b	$\beta$	SE	t
تمایز یافتگی - واکنش‌پذیری عاطفی	۱	۰/۵۲۴		
تمایز یافتگی - جایگاه من	۰/۷۹۹	۰/۴۶۷	۰/۱۶۰	۵/۰۳***

<sup>۱</sup> نقاط برش براساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶)

<sup>۲</sup> Chi-Square

<sup>۳</sup> normed chi-square

<sup>۴</sup> Goodness Fit Index

<sup>۵</sup> Adjusted Goodness Fit Index

<sup>۶</sup> Comparative Fit Index

<sup>۷</sup> Root Mean Square Error of Approximation

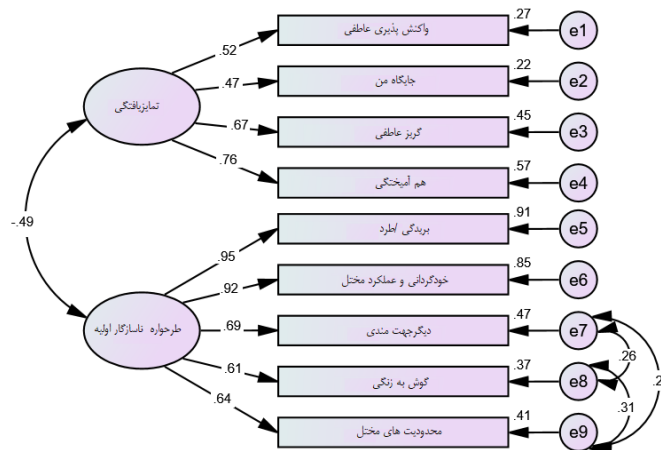


۶/۱۳**	۰/۲۵۶	۰/۶۷۱	۱/۶۱۲	تمایزیافتگی - گریز عاطفی
۶/۲۹**	۰/۲۹۳	۰/۷۵۷	۱/۵۰۲	تمایزیافتگی - هم آمیختگی
		۰/۹۵۲	۱	طرحواره - بریدگی / طرد
۲۱/۸۰**	۰/۰۴۱	۰/۹۱۹	۰/۸۸۹	طرحواره - خودگردانی و عملکرد مختل
۱۲/۶۴**	۰/۰۲۰	۰/۶۸۹	۰/۲۵۹	طرحواره - دیگر جهت مندی
۱۰/۵۰**	۰/۰۲۰	۰/۶۱۰	۰/۲۱۲	طرحواره - گوش به زنگی
۱۱/۲۷**	۰/۰۲۳	۰/۶۴۲	۰/۲۵۶	طرحواره - محدودیت های مختل

\*\*P < .01

نکته: بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به نشانگرهای واکنش پذیری عاطفی و بریدگی / طرد با عدد ۱ تثبیت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آن‌ها محاسبه نشده است.

جدول ۴. نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر بریدگی / طرد ( $\beta=0/952$ ) و کوچک‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر جایگاه من ( $\beta=0/467$ ) است. بدین ترتیب با توجه به این که بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از  $0/32$  بود، می‌توان گفت همه آن‌ها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردارند. لازم به توضیح است که طبق دیدگاه (۵۶)، بارهای عاملی  $0/71$  و بالاتر از آن عالی، بارهای بین  $0/63$  تا  $0/70$  خیلی خوب، بارهای بین  $0/55$  تا  $0/62$  خوب، بارهای بین  $0/45$  تا  $0/55$  نسبتاً خوب<sup>۱</sup>، بارهای بین  $0/32$  تا  $0/44$  پایین<sup>۲</sup> و بارهای پایین‌تر از  $0/32$  ضعیف محسوب می‌شود. شکل ۱. مدل اندازه‌گیری پژوهش و بارهای عاملی آن با استفاده از داده‌های استاندارد را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل اندازه‌گیری با استفاده از داده‌های استاندارد

### مدل ساختاری

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مدلی طراحی شد که در آن فرض شده بود الگوهای ارتباطی خانواده و تمایزیافتگی خود هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، طلاق عاطفی را زنان پیش‌بینی می‌کند. برای آزمون مدل

<sup>۱</sup> - fair

<sup>۲</sup> - low

مزبور روش مدل یابی معادلات ساختاری به کار گرفته شد. جدول ۵. شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل ساختاری

شاخص‌های برازندگی	مدل ساختاری
مجذور کای	۱۰۳/۵۸
درجه آزادی مدل	۴۴
$\chi^2/df$	۲/۳۴
GFI	۰/۹۲۹
AGFI	۰/۸۷۴
CFI	۰/۹۵۳
RMSEA	۰/۰۷۹

همچنان که جدول ۵. نشان می‌دهد همه شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل مدل یابی معادلات ساختاری از برازش مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده حمایت می‌کنند. بدین ترتیب در آزمون فرضیه اول پژوهش چنین نتیجه‌گیری شد که الگوی ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. جدول ۶. ضرایب مسیر بین متغیرها را در مدل ساختاری پژوهش نشان می‌دهد.

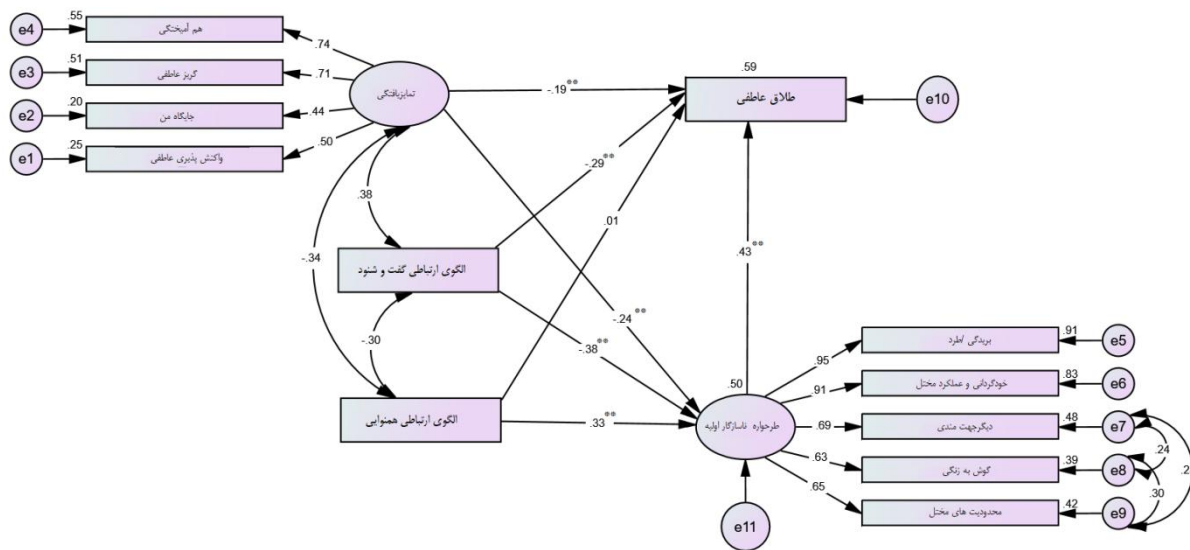
جدول ۶. ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

مسیر	متغیرهای مکنون	b	S.E	$\beta$	p
مستقیم	الگوی ارتباطی همنوایی ← طرحواره‌های ناسازگار	۲/۰۱۳	۰/۳۶۹	۰/۳۳۱	۰/۰۰۱
	الگوی ارتباطی گفت‌وشنود ← طرحواره‌های ناسازگار	-۲/۰۸۲	۰/۳۳۶	-۰/۳۷۵	۰/۰۰۱
	تمایز یافتگی ← طرحواره‌های ناسازگار	-۲/۴۲۶	۰/۹۶۶	-۰/۲۴۰	۰/۰۰۳
	طرحواره‌های ناسازگار ← طلاق عاطفی	۰/۲۵۸	۰/۰۱۰	۰/۴۳۰	۰/۰۰۱
	الگوی ارتباطی همنوایی ← طلاق عاطفی	۰/۰۱۴	۰/۰۴۴	۰/۰۱۵	۰/۷۷۵
	الگوی ارتباطی گفت‌وشنود ← طلاق عاطفی	-۰/۲۴۵	۰/۰۵۱	-۰/۲۹۲	۰/۰۰۱
	تمایز یافتگی ← طلاق عاطفی	-۰/۲۹۹	۰/۱۶۸	-۰/۱۹۵	۰/۰۰۶
غیرمستقیم	الگوی ارتباطی همنوایی ← طلاق عاطفی	۰/۱۳۱	۰/۰۳۳	۰/۱۴۲	۰/۰۰۱
	الگوی ارتباطی گفت‌وشنود ← طلاق عاطفی	-۰/۱۳۶	۰/۰۳۱	-۰/۱۶۱	۰/۰۰۱
	تمایز یافتگی ← طلاق عاطفی	-۰/۱۵۸	۰/۰۶۶	-۰/۱۰۳	۰/۰۰۱
کل	الگوی ارتباطی همنوایی ← طلاق عاطفی	۰/۱۴۵	۰/۰۴۴	۰/۱۵۷	۰/۰۰۱

الگوی ارتباطی گفت‌وشنود ← طلاق عاطفی  
 ۰/۳۸۰ - ۰/۰۵۷ - ۰/۴۵۳ - ۰/۰۰۱

تمایز یافتگی ← طلاق عاطفی  
 ۰/۴۵۶ - ۰/۱۹۱ - ۰/۲۹۸ - ۰/۰۰۱

جدول ۶. نشان می‌دهد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین الگوی ارتباطی گفت‌وشنود و طلاق عاطفی ( $\beta = -0.161, p < 0.01$ ) منفی و ضریب مسیر غیرمستقیم بین الگوی ارتباطی هم‌نوایی و طلاق عاطفی ( $\beta = 0.142, p < 0.01$ ) مثبت و معنادار است. بدین ترتیب در آزمون فرضیه پنجم پژوهش چنین نتیجه‌گیری شد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان رابطه بین الگوی ارتباطی گفت‌وشنود با طلاق عاطفی را به صورت منفی و رابطه بین الگوی ارتباطی هم‌نوایی و طلاق عاطفی را به صورت مثبت و معنادار میانجی‌گری می‌کند. همچنین جدول نشان می‌دهد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی خود و طلاق عاطفی ( $\beta = -0.103, p < 0.01$ ) منفی و معنادار است. بدین ترتیب پژوهش چنین نتیجه‌گیری شد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان رابطه بین تمایز یافتگی خود و طلاق عاطفی را به صورت منفی معنادار میانجی‌گری می‌کند.



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش با استفاده از داده‌های استاندارد

همچنان که شکل فوق نشان می‌دهد مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه ( $R^2$ ) برای متغیر طلاق عاطفی برابر با ۰/۵۹ به دست آمد، این موضوع بیانگر آن است که در مجموع تمایز یافتگی خود، الگوهای ارتباطی خانواده و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ۵۹ درصد از واریانس طلاق عاطفی را در زنان تبیین می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری:

نتایج نشان داد که الگوی ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. یکی از عوامل مؤثر در الگوی ارتباطی افراد طرحواره‌های ناسازگار هستند. طرحواره‌ها الگوهای ثابت و درازمدتی هستند که در زمان کودکی به وجود آمده‌اند و تا بزرگسالی ادامه یافته‌اند. درک و ادراک محیط از طریق طرحواره صورت می‌گیرد، یعنی در واقع افراد از دریچه‌ی طرحواره‌هایشان جهان را ادراک می‌کنند و با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و تمایل دارند موقعیت‌ها را به گونه‌ای تفسیر کنند که طرحواره‌هایشان تأیید شود؛ بنابراین رفتارها از طرحواره‌ها نشأت می‌گیرند. به عبارت دیگر افزایش طرحواره‌های ناسازگار با افزایش استفاده از الگوی ارتباطی هم‌نوایی و کاهش استفاده از الگوی ارتباطی گفت‌وشنود همراه است. این یافته‌ها با پژوهش‌های انجام شده قبلی (۲۵-۲۶) همسو می‌باشد. کسانی که طرحواره‌هایشان در حوزه‌ی بریدگی و طرد قرار دارد چون معتقدند روابطشان با افراد مهم زندگی ثبات ندارد تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه‌ی خود آسیب‌رسان به رابطه‌ای دیگر پناه ببرند یا از روابط بین فردی

نزدیک اجتناب کنند و یا اگر هم از رابطه اجتناب نکنند به علت ترس شدید از رها شدن، دست به رفتارهای کنترل طرف مقابل می‌زنند یعنی در واقع بیشتر از الگوی ارتباطی هم‌نوایی استفاده می‌کنند. از طرفی افرادی که در حوزه‌ی طرح‌واره خودگردانی مختل قرار می‌گیرند معمولاً در کودکی یا به شدت حمایت‌شده‌اند و یا برعکس به‌ندرت از آن‌ها حمایت‌شده است و والدین با این کار به شدت به اعتماد به نفس آن‌ها لطمه زده‌اند. آن‌ها در بزرگسالی فکر می‌کنند که هیچ کاری را نمی‌توانند به‌صورت مستقل انجام دهند. در نتیجه در روابطشان با دیگران دائم اطاعت می‌کنند و تعقل و ارتباطات باز برای آن‌ها معنا ندارد. همچنین افراد با طرح‌واره حوزه محدودیت مختل، در خانواده‌هایی بزرگ‌شده‌اند که بیش‌ازحد محبت و توجه دریافت کرده‌اند. در نتیجه در بزرگسالی نمی‌توانند ارضای نیازهای آنی خود را به تأخیر بیندازند و به حقوق دیگران احترام بگذارند. افرادی که طرح‌واره دیگر جهت‌مندی دارند نیز شبیه کسانی هستند که در حیطه‌ی طرح‌واره طرد قرار دارند بیشتر به دنبال ارضای نیازهای دیگران و طرف مقابلشان هستند. با این تفاوت که افراد طرح‌واره حوزه طرد به خاطر ترس از طرد شدن آن رفتارها را انجام می‌دهند ولی این افراد برای کسب تأیید، تداوم رابطه هیجانی و اجتناب از انتقام این کار را انجام می‌دهند. این افراد در کودکی معمولاً به‌صورت مشروط پذیرفته‌شده و از خانواده‌هایی محافظت‌کننده هستند که سبک ارتباطی هم‌نوایی دارند و در نهایت، افرادی که طرح‌واره هایشان در حوزه گوش‌به‌زنگی و بازداری قرار دارد افرادی خشک و غیر منعطف، پر از خشونت، واپس‌زن و سختگیر هستند معمولاً نگران و آماده‌ی اتفاق بد هستند و بیشتر در خانواده‌ای محافظت‌کننده بزرگ‌شده‌اند و سبک ارتباطی هم‌نوایی دارند. همان‌طور که پیش‌از این اشاره شد به‌طور کلی می‌توان گفت هریک از طرح‌واره‌های ناسازگار به‌نوعی بر الگوی ارتباطی افراد اثر می‌گذارد.

همچنین نتایج نشان داد که تمایز یافتگی خود به‌صورت مستقیم با میانجیگری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، طلاق عاطفی را در زنان پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه با یافته‌های (۲۳-۲۴)، (۳۳-۳۶) و ۴۲ همسو است. نتیجه این پژوهش با نظریه بوئن هماهنگ است. در تبیین رابطه مثبت تمایز یافتگی با رضایت‌ناشویی باید اظهار داشت که تمایز یافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا مرزها را تنظیم کند. در واقع تمایز یافتگی، از آمیختگی زن و شوهر در مواقع بحرانی جلوگیری می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا مشکلات موجود در رابطه را، با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش‌پذیری‌های هیجانی و احساسی، رفع کنند. در سمت مقابل، تمایز نیافتگی زوج‌ها از طریق فاصله‌گیری عاطفی از یکدیگر در موقعیت‌های دشوار، آن‌ها را به سمت دلزدگی سوق می‌دهد. بر اساس نظریه بوئن تمایز یافتگی اشاره به توانایی ایجاد تعادل بین نیروهای عقلی و فرایندهای عاطفی در سطح درون روانی و ایجاد تعادل بین حفظ فردیت همراه با تجربه صمیمیت در سطح بین فردی می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت افراد تمایز نیافته روی هم‌رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل می‌شوند؛ درحالی‌که افرادی که به‌خوبی تمایز یافته‌اند قادرند خود تعریف‌شده‌شان را حفظ کنند. افراد تمایز یافته ذاتاً خود رهبرند، افکار و احساسات خاص خودشان را دارند و اجباری در وفق دادن خود با انتظارات دیگران ندارند (۵۷).

بسیاری از تحقیقات، تمایز یافتگی را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده رضایت‌ناشویی و صمیمیت‌ناشویی مطرح می‌کنند. زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی داشته باشند، زمانی که ازدواج می‌کنند انتظار می‌رود بلوغ عاطفی کمتری را دارا و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. این مسئله نیازمند این می‌شود که هر دو نفر (زن و مرد) برای پایداری ازدواجشان رشد و خود رهبری‌شان را قربانی ازدواج کنند. در مقابل در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش عاطفی کمتری را تجربه کنند. به سخن دیگر، برای اینکه مشکلات کمتری داشته باشند در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ کنند که این ویژگی‌های افراد تمایز یافته موجب استحکام روابط زوج‌ها و افزایش رضایت‌ناشویی و سازگاری روان‌شناختی بهتر آن‌ها می‌شود.

از آنجاکه تمایز یافتگی خود و طلاق عاطفی اثرگذار است، پیشنهاد می‌شود متخصصین بالینی و خانواده با تمرکز بر عواملی که طلاق عاطفی را کاهش می‌دهند مانند الگوهای سازنده تعامل و ارتباط، حل تعارض سازنده را افزایش دهند. همچنین با توجه به اینکه

[HTTPS://JOH](https://joh)

متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده، تمایز یافتگی خود، طرحواره ناسازگار اولیه به خوبی طلاق عاطفی را در همسران پیش‌بینی می‌کنند؛ بنابراین از طریق افزایش مهارت‌های زوجین در فراهم آوردن رضایت‌زناشویی برای یکدیگر و آموزش سرمایه روان‌شناختی به آن‌ها می‌توان حل تعارض سازنده را در آن‌ها افزایش داد. بنابراین توصیه می‌گردد مشاورین، روانشناسان و درمانگران ارائه‌دهنده خدمات سلامت‌روانی در حوزه خانواده و ازدواج، در پژوهش‌های خود با آموزش مهارت‌های ارتباطی، زوج‌درمانی شناختی- رفتاری و خانواده‌درمانی ساختاری، جهت بهبود عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین و ارتقای کیفیت زندگی زناشویی عمل کنند تا از این طریق، امکان نتیجه‌گیری علت و معلولی حاصل شود.

**محدودیت‌های پژوهش:** هر پژوهشی اگرچه در ماهیت به دنبال ارتباط بین عوامل و میزان تأثیر آن است. به‌رحال در بطن خود یک مجموعه محدودیت‌هایی را خواهد داشت. این محدودیت‌ها ممکن است بر سر راه پژوهش ظاهر شده و امر پژوهش را دچار مشکلاتی نموده و تعمیم نتایج را با دشواری مواجه کنند. پژوهش حاضر نیز از چنین امری مستثنی نبوده و دارای محدودیت‌هایی به این شرح است: ۱- نگرانی احتمالی شرکت‌کنندگان در مورد تأثیر یافته‌های پرسش‌نامه بر وضعیت زندگی ایشان، که کوشش شد با بی‌نام بودن پرسشنامه و توضیح در این زمینه از احتمال آن کاسته شود. ۲- در این پژوهش از ابزار خودگزارشی برای اندازه‌گیری پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با نقش میانجیگری طرحواره‌ناسازگار اولیه استفاده شد که ممکن است افراد به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه سعی در مطلوب جلوه دادن خود کرده باشند.

**ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی این طرح شامل: اطلاعات کتبی در مورد این پژوهش به شرکت‌کنندگان و دادن اطمینان خاطر به آن‌ها در مورد محرمانه بودن اطلاعات و استفاده از آن فقط در امور تحقیقی، داوطلبانه بودن مشارکت و اخذ رضایت کتبی شرکت‌کنندگان برای شرکت در این پژوهش بود.

**تضاد منافع:** این مقاله حامی مالی و تعارض منافی ندارد.

#### منابع:

1. Hadi S, Eskandari H, sohrabi F, moatamedy A, farrokhi N. Relationship between attachment styles and marital commitment in people with marital infidelity. QJCR. 2017; 15 (60): 42-59 <http://iran-counseling.ir/journal/article-1-479-fa.html>.
2. Montesi J.L, Conner B.T, Gordon E.A, Fauber R L, Kim K.H, Heimberg R.G. On the relationship among social anxiety, intimacy, sexual communication, and sexual satisfaction in young couples. Archives of sexual behavior. 2022; 42(1): 81-91. [Persian]. <http://doi.org/10.1007/s10508-012-9929-3>.
3. Grover S, Helliwell J. F. How's life at home? New evidence on marriage and the set point for happiness. Journal of Happiness Studies. 2019; 20(2): 373-390. <https://doi.org/10.1007/s10902-017-9941-3>.
4. Schaan V. K, Schulz A, Bernstein M, Schächinger H & Vögele C. Effects of rejection intensity and rejection sensitivity on social approach behavior in women. PLoS ONE. 2020; 15(1): 227-799. [Persian]. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0227799>
5. André S, Dewilde C, Muffels R. Housing tenure, housing wealth and subjective wellbeing in Australia: The Case of Unemployment, in Brulé, G., and Suter, C. (eds), Wealth(s) and Subjective

- Wellbeing. Springer Publisher; 2020. <https://research.tilburguniversity.edu/en/publications/housing-tenure-housing-wealth-and-subjective-wellbeing-in-austral>.
6. Saeidi I, Memar S, Kianpour M. Women's Lived Experience of Domestic Violence (Case Study: Women Referred to Divorce Reduction Unit of Isfahan Social Emergency Center). *Social Problems of Iran*. 2020; 11(1): 123-142. doi:10.29252/jspi.11.1.123. <http://jspi.khu.ac.ir/article-1-3257-fa.html>.
  7. Ghorbani Vanajemi M, Ezhei J, Gholam Ali Lavasani M. The effectiveness of documentary retraining on the mental health of divorced male children of the first secondary level. *Knowledge and research in applied psychology*. 2018; 3(20): 26-34. [Persian]. [https://journals.iau.ir/article\\_663539\\_52ab7e938becf66923440f0a58331b13](https://journals.iau.ir/article_663539_52ab7e938becf66923440f0a58331b13).
  8. Poursardar F, Gudarzi K, Rozbahani M, Sadeghi M. The effectiveness of emotion-focused couple therapy (EFCT) and integrative behavioral couple therapy (IBCT) on the reconstruction of communication patterns of couples with marital conflict. *Family Psychology*. 2021; 6(1): 39-54. [Persian]. [https://www.ijfpjournal.ir/article\\_245550.html](https://www.ijfpjournal.ir/article_245550.html).
  9. Azimi Rasta M, Abedzade Nobariyan M. Investigating factors affecting the occurrence of emotional divorce among couples in the family. *Iranian Sociological Studies*. 2021; 3(10): 31-46. [Persian]. <https://www.sid.ir/paper/504015/fa>
  10. Bohannan P. The six stages of divorce. In P. Bohannan (Ed.), *Divorce and after*. Garden City, NY: Doubleday; 2007. <https://vc.bridgew.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2954&context=jiws>.
  11. Klurfeld Z. B, Buqo T, Sanderson W. C, Ward-Ciesielski E. F. (2020). Comparing the nature of grief and growth in bereaved, divorced, and unemployed individuals. *Journal of Affective Disorders*. 2020; 274(7): 1126–1133. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2020.06.008>.
  12. Satir V, Gomori M, Banmen J, Gerber J.S. *The Satir model: family therapy and beyond*. Palo Alto, CA: Science and Behavior Book; 1991. <https://doi.org/10.1007/s10591-021-09579-5>.
  13. Moltafet G, Azarbon B. The Prediction of Life Satisfaction Based On Family Communication. *Patterns Mediated By Religion Motivation*. 2021; 6(20): 17- 36. [Persian]. <http://psychologicalscience.ir/article-1-197-en.html>.
  14. Zare M. The role of family communication patterns and spiritual intelligence in predicting marital boredom in Marvdasht. Master Thesis, Family Counseling, Islamic Azad University, Marvdasht Branch; 2018. [Persian]. <https://islamiclifej.com/article-1-1055-en>.
  15. Sajjadian S.T. The mediating role of cognitive emotion regulation for family communication patterns and adjustment. Master Thesis, Department of Educational Psychology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch; 2019. <https://jpcp.uswr.ac.ir/article-1-876-en>.
  16. Mousavi S, fatehizadeh M, Jazayeri R. The effect of couple training based on personality-systemic couple therapy model on marital adjustment. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*. 2018; 7(2): 83-106. [Persian]. <http://doi.org/10.22108/CBS.2017.86698.0>
  17. Masoumi S, Rezaeiyan H, Hosseinian S. Predicting sexual satisfaction based on couples' communication patterns. *Women and Family Studies*. 2016; 5(1): 101-79. [Persian]. <https://ensani.ir/file/download/article/2018021>.
  18. Litzinger S, Gordon K.C. Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of sex & marital therapy*. 2015; 31 (5): 409-424. <http://dx.doi.org/10.1080/00926230591006719>.



[HTTPS://JOL](https://joh)

19. Hughes P.C, Dickson F.C. (۲۰۱۸). Communication, marital satisfaction, and religious orientation in interfaith marriages. The Journal of Family Communication. 2018; 5 (1): 25-41. [https://doi.org/10.1207/s15327698jfc0501\\_2](https://doi.org/10.1207/s15327698jfc0501_2).
20. Chi P, Epstein N.B, Fang X, Lam D.O, Li X. Similarity of relationship standards, couple communication patterns, and marital satisfaction among Chinese couples. Journal of Family Psychology. 2019; 27 (5): 806-859. <https://doi.org/10.1177/0265407520928588>.
21. Hall P. Improving marital relations in human language. Translated by Leila Rasouli (2020). first edition, Tehran: Hirmand; 2007 <https://fidibo.com/book/159675>.
22. Gutman J. The science of love Translated by Hashim Pouriamehr, 2021, Tehran: Danje Publishing. <https://danjehpub.com/product/%D8%B9%D9%84%D9%85-%D8%B9%D8%B4%D9%82/>.
23. Beyrami M, Babapour Kheirualdin J, Hashemi Nusratabad T, Ismaeli I, Bahadori Khosroshahi J. Predicting marital satisfaction based on emotional intelligence components and conflict resolution methods. Scientific journal of Qazvin University of Medical Sciences. 2011; 17(3): 27-20. [Persian]. <https://ecc.isc.ac/showJournal/1039/31110/548162>.
24. Salehi Adib M, Qudsi, N.Al-Sadat, Amirnaseri N, Ahmadi M. Predicting tendency towards extramarital relationships through communication beliefs and marital boredom in married women in Tehran. 2nd National Conference on Foresight in Psychology and Educational Sciences Shiraz. 2022; 1(1):1-10. [Persian]. <https://civilica.com/doc/1484764>.
25. Nakhaei S, Arabzadeh M, Momin Kokha A, Mir A. Predicting the tendency to emotional divorce based on distress tolerance and communication patterns of married couples working in education in Zabol city. The 8th International Conference on Religious and Islamic Research, Law, Educational Sciences and Psychology in Tehran, 2020; 1(1): 1-14. <https://civilica.com/doc/1524754>.
26. Fatehi N, Kechoi M. The relationship between irrational communication beliefs and marital dissatisfaction: the mediating role of uncompromising cognitive emotion regulation strategies. Journal of Mashhad Faculty of Medical Sciences. 2019; 63(5): 2903-2913. [https://mjms.mums.ac.ir/article\\_17721.html](https://mjms.mums.ac.ir/article_17721.html).
27. Meteyard J. D, Andersen K.L, Marx E. Exploring the Relationship between Differentiation of self and Religious Questing in students from Two Faith based Colleges. Pastoral Psychol; 2019. <http://doi.org/10.1007/s11089-011-0401-4>.
28. Moon W. H. Kim J.Y. Stress and depression in the Korean college students: Mediated effects of self-differentiation and self-efficacy. In Bio-inspired Neurocomputing. Springer, Singapore; 2021. [http://doi.org/10.1007/978-981-15-5495-7\\_8](http://doi.org/10.1007/978-981-15-5495-7_8).
29. Azadi Sh, Nahidpour F. Predicting the amount of differentiation of girls from the amount of differentiation of mothers: investigating intergenerational transfers. Women and Society Quarterly. 2021; 7(4): 125-136. [Persian]. <http://ensani.ir/file/download/article/20170923170531-10001-173.pdf>.



30. Crabtree S.A, Bell C.A, Rupert DA, Sandage S.J, Devor N.G, Stavros G. Humility, differentiation of self, and clinical training in spiritual and religious competence. *Journal of Spirituality in Mental Health*. 2020; 5(8): 1-21. <https://doi.org/10.1080/19349637.2020.1737627>.
31. Peixoto-Freitas J, Rodríguez-González M, Crabtree S.A, Martins M.V. Differentiation of self, couple adjustment and family life cycle: A cross-sectional study. *The American Journal of Family Therapy*. 2020; 48(4): 299-316. <https://doi.org/10.1080/01926187.2020.1736689>.
32. Skowron E.A. The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*. 2022; 47(2): 229-237. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.47.2.229>.
33. Aryamanesh S, Falah Chai S.R, Zarei I. Comparison of differentiation between satisfied couples and couples with marital conflict in Bandar Abbas city. *Journal of Clinical and Counseling Psychology Research*. 2012; 3(1): 81-89. [Persian]. [https://tpccp.um.ac.ir/article\\_30648.html](https://tpccp.um.ac.ir/article_30648.html).
34. Talebi M, Ghojari Bonab B. Determining the relationship between self-differentiation, emotional intelligence and marital satisfaction in counseling centers of Shahrood city (Tranem, Saba, Rozbeh, Behazisti, Shahid Foundation and Veteran Affairs). *Journal of Women and Family Studies*. 2012; 5(18): 15-32. [Persian]. <file:///C:/Users/20-7-1396/Downloads/6007413911801.pdf>.
35. Qamri Kivi H, Sheikhul-Islami A, Samadi M. The relationship between self-differentiation and marital satisfaction in compatible and incompatible spouses. The second national conference on sustainable development in educational sciences and psychology, social and cultural studies, Tehran: Soroush Hekmat Mortazavi Islamic Studies and Research Center, Mehr Arvand Institute of Higher Education, Center for Sustainable Development. 2014; 5(7): 1-9. [Persian]. <https://civilica.com/doc/394612>.
36. Majd M, Razi K, Mousavi M, Kazemi Z. Investigating the relationship between the dimensions of self-differentiation and the dimensions of marital satisfaction in married students of Fars University of Research Sciences. The second national conference of sustainable development in educational sciences and psychology, social and cultural studies. Tehran: Soroush Hikmat Mortazavi Center for Islamic Studies and Research, Mehr Arvand Institute of Higher Education, Center for Sustainable Development Solutions. 2014; 1(1):1-10. [Persian]. <https://civilica.com/doc/395173>.
37. Long L, Young M. *Counselling and therapy for couples 2nd Ed.* : Belmont, CA; Professional Resource Press/Professional Resource Exchange; 1999. <http://dx.doi.org/10.1891/0889-8391.6.2.149>.
38. Nilforooshan P, Navidian A, Shamohammadi M. Early maladaptive schemas and psychological health among Womens seeking cosmetic surgery. *Iran J Psychiatr Nurs*. 2022; 3(1): 12-23. [Persian]. <http://ijpn.ir/article-1-508-en.html>
39. Cecero J.J, Marmon T.S, Beitel M, Hutz A, Jones C. Images of mother, self, and God as predictors of dysphoria in nonclinical samples. *Pers Indiv Differ*. 2022; 36(7): 1669-80. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2003.06.013>.
40. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema therapy: A practitioner's guide*: Guilford Press, 2022. <https://www.guilford.com/books/Schema-Therapy/Young-Klosko-Weishaar/9781593853723>.
41. Raes Alsadati S, Nazarboland N, KhoshKonesh A. The Study of the Relation of Early Maladaptive Schemas and Differentiation with the Extent of Marital Adjustment. *Middle East J Disabil Stud*. 2019; 6(1):28-35. [Persian]. <http://jdisabilstud.org/article-1-705-en.html>.
42. Aeen Parast S, Amin Yazdi S.A, Soltani Kohbanani S, Zarei F. Investigating the relationship between the developmental functions of the childhood family and teachers' emotional divorce

[HTTPS://JOL](https://joh)

through the mediation of early maladaptive schemas. The 7th National Conference on New Researches in the Field of Educational Sciences and Psychology of Iran. 2022; 1(5): 1-14.. <https://civilica.com/doc/1554343>.

43. Gatmann G. Success or failure in marriage. Translation; gazayeri, A. (2009). Tehran Khojesteh Publishing; 2008. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00750.x>

44. Koerner A.F, Fitzpatrick M.A. Under-standing family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. Communication Year Book. 2002a; 28(7): 36-68. <http://dx.doi.org/10.1080/23808985.2002.11679010>.

45. Taheri R, Zandi Keramat Alah, Honarparan N. Comparison of the relationship between the dimensions of family communication patterns and self-image with coping styles in female and male students of higher education in Eram Shiraz, Armaghane Danesh. 2013; 17(4): 359-370. [Persian]. <http://armaghanj.yums.ac.ir/article-1-249-fa.html>.

46. Skowron E.A, Friedlander, M.L. The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. Journal of Counseling Psychology. 1998; 54 (4): .552 534. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.235>.

47. Skowron, E.A., Schmitt, T.A.. Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. Journal of Marital and Family Therapy, 2003; 29(2): 209-222. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2003.tb01201.x>

48. Sanaee Zaker B, Alagheand S, Falahati Sh, Homan A. family and marriage scales. Tehran: Ba'ath Publications; 2008. [Persian]. <https://www.gisoom.com/book/11341131>.

49. Jahan-Bakhshi Z, Kalantarkosheh M. The relationship between the dimensions of primary maladaptive schemas and differentiation with desire to marry in male and female students of Allameh University. Family Counseling and Psychotherapy Quarterly. 2011; 2(2): 254-234. [Persian]. [https://fcp.uok.ac.ir/article\\_9532.html](https://fcp.uok.ac.ir/article_9532.html).

50. Amani A, Yousefi N, Fanai E. (2015). The effectiveness of group-based existential therapy on the differentiation and communication patterns of female students in the marriage stage. Journal of Clinical and Counseling Psychology Research. 2015; 6(2): 16-31. [Persian]. [https://tpccp.um.ac.ir/article\\_32339.html](https://tpccp.um.ac.ir/article_32339.html).

51. Rezaian H, Masoumi S, Hosseinian, S. Investigating and comparing self-differentiation, communication patterns and sexual satisfaction in couples applying for divorce and normal couples. Applied Counseling. 2016; 14(3): 17-32. [Persian]. [https://jac.scu.ac.ir/article\\_13352.html](https://jac.scu.ac.ir/article_13352.html).

52. Young J.E. Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach (Rev. ed.). Professional Resource Press/Professional Resource Exchange; 1994. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=3502094>.

53. Young J. E. Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach. Sarasota, FL: Professional Resource Exchange; 1998. <https://psycnet.apa.org/record/1999-08103-015>.

54. Baranoff J, Tian P.S.. Young Schema Questionnaire: Review of Psychometric and Measurement Issues, Australian Journal of Psychology. 2007; 59(1): 78-86. <https://doi.org/10.1080/00049530601148397>.

55. Ahi H. Investigating the factorial structure of the short form of Young Questionnaire (YSQ). Master's thesis. Allameh Tabatabai University; 2005. [Persian]. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/e04180ea2bb2c3c9c6e9b2c555349e1c>.

56. Tabachnick B, Fidell L. Using multivariate statistics (5th edn) New York. NY: Allyn and Bacon; 2007. <https://www.scirp.org/reference/ReferencesPapers?ReferenceID=1887285>.
57. Hosseiniyan S, Najafluie F. The relationship between the differentiation of psychological and physical symptoms in women referring to counseling centers. *Women and Family Studies Quarterly*. 2021; 11(1): 29-44. [Persian]. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/>.